

## معرفی یک سریال حال خوب کن برای همه

# فوتبال



شخصیت های سریال است و نقش مهمی در تبدیل تد لسو به یکی از بهترین سریال های کمدی قرن بیست و یکم دارد.

**من به این شهرت دارم که تقریباً مشهور هستم**  
 حالتان خوب نیست و به یک آغوش مهربان و گرم نیاز دارید؟ کیلی آنجاست تا شما را در آغوش بکشد، حتی اگر شما ربکا ولتون باشید و فراری از صمیمیت. کیلی جونز در ابتدای سریال به عنوان یک مدل تبلیغاتی و دوست دختر جیمی تارت به ما معرفی می شود، ولی در ادامه به یکی از کاراکترهای اصلی و دوست داشتنی سریال تبدیل می شود.

کیلی مهربان، جذاب، پرانرژی و برونگرا است و همه اینها به طور تحسین برانگیزی با هم ترکیب شده است. او آدم ها را بدون قید و شرط دوست دارد، از زیبایی ها تعریف می کند و هیچ کس نمی تواند در برابر رفتار محبت آمیزش مقاومت کند. بازی بی نظیر جونز تمپل در نقش کیلی، هم می تواند اشک شما را در بیاورد و هم شما را از ته دل بخنداند.

### تلاش کردن ترسانک است

همه اعضای تیم ای اف سی ریچموند این امتیاز را ندارند که بین گروه اصلی باشند، اما سم اوبیسایا شایسته این افتخار است. پسرک سیاهپوست و خوش روی تیم، از همان قسمت اول جای خود را در دل

کلمه اهمیت نمی دهد: من! جیمی تارت، ستاره جوان تیم فوتبال ریچموند، به راحتی در فصل اول می تواند شما را کلافه و عصبی کند. در کل فیلم، شما هیچ دیالوگی از جیمی نمی شنوید که تکان دهنده یا خاص باشد. اما، روند تغییر و پیشرفت این بازیکن حرفه ای و خودخواه، بیشتر از هر دیالوگی تأثیرگذار است.

جیمی تارت با تغییراتش به خوبی به ما نشان می دهد که هر انسانی، هر چه قدر هم که خودخواه و مغرور باشد، می تواند رشد کند. شاید یکی از بهترین پیام های کاراکتر جیمی در سریال این باشد که آن چیزی که ما به دنیا و انسان های اطرافمان ارائه می دهیم، نمایش بیرونی درها و مشکلاتی است که سال ها در درون ما انباشته شده است. تنها چیزی که جیمی می خواهد، دیده شدن و تشویق شدن است. یعنی دقیقاً همان چیزی که پدرش از او دریغ کرده است.

### مدت کوتاهی راهم را گم کرده بودم، ولی برگشتم!

قد بلند، بلوند، زیبا، مغرور و پر از کینه! اینها اولین ویژگی هایی هستند که ما در ربکا می بینیم. قسمت های ابتدایی فصل اول، به نظر می آید که ربکا ولتون، صاحب کنونی باشگاه، ضد قهرمان سریال است. تنها هدف ربکا از استخدام تد به عنوان سرمربی، سقوط تیم به دسته پایین تر و اذیت کردن همسر سابقش، روبرت، بود. با این حال، خیلی زود ربکا نیز تحت تأثیر تد قرار می گیرد و اوضاع شروع به تغییر می کند. با اینکه بارها توسط همسر سابقش مورد آزار قرار می گیرد، اما فقط قوی تر و مصمم تر می شود. او همان رئیسی است که ریچموند به آن نیاز دارد و سزاوار آن است.

### من حتی در شادترین خاطراتم، تنها هستم

مربی ببرد، یکی از جذابترین، کم حرفترین و مرموزترین شخصیت های سریال است، با ظاهری خاص و رفتاری خاص تر. وقتی در قسمت هفتم فصل اول، برای اولین بار با بعد دیگری از شخصیت ببرد روبه رو شدیم، همه ما تعجب کردیم. این شگفت زدگی در طول سریال ادامه دارد و در قسمت آخر به اوج خود می رسد، جایی که داستان پشت رفاقت ببرد و تد لسو را می شنویم. ببرد درونگرا، محتاط، اما همچنین دمدمی مزاج و به طرز لذت بخشی گیج کننده است. او یکی از بازمزترین

### نوشین نقبله

نویسنده

من مدت زیادی است که فوتبال نمی بینم. حتی در دو جام جهانی اخیر نیز اشتیاق و هیجانی به دیدن بازی های تیم ملی ایران نداشتم. ولی دبیرستانی که بودم، فوتبال و مهم تر از آن تیم استقلال جز مهمی از زندگی من بود. استقلال بودن در فامیل ما چیزی شبیه به یک سنت است. همه (به جز دو نفر) طرفدار پر و پا قرص استقلال هستند و من هم از این قاعده مستثنی نبودم.

اوایل دهه هشتاد، که تله تکست به نوعی مهم ترین ابزار جستجوی اخبار برای ایرانی ها به حساب می آمد، هر روز تیترو روزنامه های ورزشی را چک می کردم و هر روزنامه ای که در مورد تیم و بازیکنان استقلال مطلب داشت را می خریدم. ولی با گذشت زمان، علاقه ام به فوتبال هم فروکش کرد و حالا بیشتر از ۱۰ سال است که دیگر پیگیر هیچ بازی و مسابقه ای نیستم. به همین دلیل وقتی یکی از دوستانم پیشنهاد داد که سریال تد لسو را ببینم، مطمئن بودم که خوشم نخواهد آمد. سریالی که در مورد یک باشگاه فوتبال و یک سرمربی آمریکایی که چیزی از فوتبال نمی داند، چه جذابیتی می تواند داشته باشد؟ ولی تد لسو من را غافلگیر کرد و لحظه ای متوجه این غافلگیری شدم که از شدت استرس و هیجان برای بازی تیم ای اف سی ریچموند، داشتم ناخن هایم را می جویدم! این کاری است که تد لسو با شما می کند. شما عاشق تیم می شوید و حتی ممکن است مثل من آرزو کنید که یکی از اعضای تیم بودید و بین دو نیمه، سخنرانی های انگیزشی مخصوص تدرامی شنیدید. در سال ۲۰۲۰، در میانه قرنطینه کووید-۱۹، سریال تد لسو داستانی را شروع کرد که شبیه یک آغوش گرم و آرام بخش بود، آن هم درست زمانی که همه به آن نیاز داشتند. اما تد لسو فقط یک سریال برای انتقال احساس خوب نیست، در حقیقت ورزش را به راهی برای افزایش خوبی در دنیا تبدیل می کند. با بخش فصل سوم سریال، طرفداران شاهد پیشرفت بیشتر شخصیت ها و قوس های داستانی جالب بودند. چه کاراکتر شرور و نفرت انگیزی مانند روبرت مانوین باشد، چه شخصیت دوست داشتنی تد لسو. تک تک این کاراکترها و تغییرات آنها برای انتقال پیام سریال و محبوبیت جهانی آن مهم بودند. تد لسو بیشتر از اینکه یک روایتگر باشد و از طریق داستان خود ما را مجذوب کند، با شخصیت هایش جای خود را در دل مخاطبان باز کرد. زمانی که قسمت آخر سریال را دیدم، احساس می کردم بعد از یک مدت طولانی باید با دوستانم وداع کنم؛ دوستانی که در طول این سه فصل با آنها زندگی کرده بودم، تمرین کرده بودم، بعد از برد تیم جشن گرفته بودم و بعد از باخت گریه کرده بودم. به همین دلیل، دوست داشتم در معرفی سریال به شخصیت ها بپردازم؛ شخصیت هایی که بدون آنها این قصه ساخته نمی شد. برای این معرفی از ضد قهرمان قصه شروع می کنم و در نهایت به قهرمان دوست داشتنی داستان، سرمربی لسو می رسم.

### او هر کاری هم بکند باز طرفداران دوستش دارند

بیشتر ما در زندگی خود با آدم هایی برخورد داشته ایم که ظاهری جذاب، مهربان و خوش رو دارند، اما در باطن به چیزی جز منافع خودشان اهمیت نمی دهند. زندگی با این آدم ها زمانی سخت تر می شود که نمی توانند این موضوع را به دیگران ثابت کنند. روبرت، شوهر سابق و کینه توز ربکا و مالک قبلی ای اف سی ریچموند، از همین دسته است. اولین کسی که غیر از ربکا متوجه خوشرویی ربکا ارانه او می شود، تد است. زمانی که ربکا به تد می گوید «روبرت هر کاری بکند باز هم مردم دوستش دارند» و تد جواب می دهد «تو تنها کسی نیستی که متوجه ذات واقعی او شدی». شاید این همان نقطه ای است که تصمیم ربکا برای تخریب تد تغییر می کند. خلاف بیشتر داستان ها، تد لسو بیشتر بر ماهیت حس خوب و درگیری های جذاب قهرمانان داستان متمرکز است و نیاز چندانی به حضور زیاد ضد قهرمان اصلی خود ندارد. اما هر زمانی که روبرت مانوین ظاهر می شود، خون هر بیننده ای به جوش می آید.

### تو باعث شدی من فکر کنم آدم مهمی هستم

بسیاری از شخصیت های تد لسو در طول نمایش به طور قابل توجهی تغییر کرده اند، اما هیچ کدام به اندازه نیت شلی، با بازی نیک محمد، تغییر پیچیده ای نداشتم. نمایش تبدیل نیت از یک تدارکاتچی خجالتی که تد به او انگیزه می دهد تا از بوسته اش بیرون بیاید و به پتانسیل کامل خود برسد، ولی به دشمن قسم خورده و انتقام جوی تد تبدیل می شود، دلخراش نیست. اما این تغییر ناراحت کننده، دلپلی دارد که شاید بسیاری از ما آن را تجربه کرده باشیم؛ احساس نادیده گرفته شدن توسط کسی که برایمان خیلی عزیز است. تد اولین کسی بود که نیت را در باشگاه فوتبال دید و برای نظراتش ارزش قائل شد و برای نیت قابل تحمل نبود که دوباره نامرئی شود. او می خواست دیده شود، حتی به قیمت اینکه پا به درون تاریکی بگذارد.

### مربی، من هستم! چرا بخوایم چیز دیگری باشیم؟

این دیالوگ به خوبی توصیف کننده شخصیت جیمی است. بازیکنی که به چیزی جز این

نام فیلم..... Ted Lasso

امتیازها IMDB..... ۱۰/۸/۸

Rotten Tomatoes..... ۸۹%



در سال ۲۰۲۰، در میانه قرنطینه کووید-۱۹، سریال تد لسو داستانی را شروع کرد که شبیه یک آغوش گرم و آرام بخش بود، آن هم درست زمانی که همه به آن نیاز داشتند. اما تد لسو فقط یک سریال برای انتقال احساس خوب نیست، در حقیقت ورزش را به راهی برای افزایش خوبی در دنیا تبدیل می کند